



دکتر مصدق و جنبش ملی شدن صنعت نفت از منظر شهید بهشتی

سیدامیرمهدی مشرف - عضو کارگروه سیاست

مقدمه

شکست‌های تلخی که ایرانیان در نزاع با روس‌ها متحمل شده بودند، ایشان را متوجه ضعف و عقب افتادگی خود نسبت به مللی که چشم طمع نسبت به این خاک داشتند کرد. همین موضوع، انسان‌های تیز بین آن عصر را بر آن داشت تا در خصوص ریشه و سرشت این زبونی حادث شده بر این ملت اصیل، تفکر کنند و نتیجه آن شد، بیدار شدن ملتی که از حقوق خود آرام آرام آگاه گشت و می‌خواست امور را اصلاح و شکوه سابق خود را احیا کند. در این زمان، مبارزات مهمی میان گروه‌های مانع حرکت ملت و مردم در گرفت که از جمله بارزترین مثال‌های آن انقلاب مشروطه، جنبش ملی شدن صنعت نفت و انقلاب اسلامی سال ۵۷ است. در این نوشته از نگاه شهید بهشتی

به جنبش ملی شدن صنعت نفت و عللی که مانع از آن شد تا این جنبش به سرانجام مطلوب خود برسد، می‌پردازیم.

۱. دکتر مصدق و جایگاه او

دکتر مصدق از جمله رجال قجری بود که از سنین جوانی توانسته بود به مناصب عالی حکومتی برسد و در جایگاه‌هایی نظیر وزیر مالیه، وزارت خارجه، والی آذربایجان، خدمت کند و سابقه مدیریتی خوبی را برای خود فراهم آورد. وی از ابتدا با روی کار آمدن حکومت پهلوی، مخالف بود. همچنین به عقیده دکتر مصدق، در هر حال شاه باید نسبت به مردم مسئول باشد. درواقع سابقه او در امور مدیریتی در کنار تحصیل در دانشگاه و روحیه ملی‌گرایی باعث شده بود از مصدق یک شخصیت منحصر به فرد

ساخته شود که در بین مردم نیز محبوبیت خاصی پیدا کند. (ابراهامیان، ۱۳۹۳: ۷۰-۶۷) از نظر شهید بهشتی نیز جنبش ملی شدن صنعت نفت در ایران بر دو بال، استوار بود؛ یکی آیت‌الله کاشانی که یک روحانی مبارز بود که با رهبری خود باعث مجتمع شدن مردم بر اساس و پشتوانه اسلامی می‌شود و دیگری دکتر مصدق که یک فرد با سابقه سیاسی بود که مردم به او اعتماد داشتند و در کنار این دو نفر به مبارزه با دولت‌های استعمارگر خارجی در قضیه نفت پرداختند و می‌خواستند این حق خود را از غاصبانان پس بگیرند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۵۳۴)

۲. آسیب‌های جنبش

به‌رغم آن‌که در نهایت این جنبش، منجر به

ملی شدن صنعت نفت در ایران گشت و دکتر مصدق در دادگاه لاهه توانست پیروزی تاریخی به دست آورد و از حقوق ملت ایران در سطح بین‌المللی دفاع کند اما در نهایت دولت او در ۲۸ مرداد با کودتای شاه و دولت‌های بریتانیا و آمریکا ساقط شد و پس از مدتی بسیاری از این دستاوردها از بین رفت. بنابراین این جنبش نتوانست به‌طور کامل به اهداف عالیه خود دست پیدا کند و از دستاوردهای خود دفاع نماید. آسیب‌شناسی و فهم چرایی آن که علت این ناکامی چه بود لازم و ضروری است تا جنبش‌های بعدی دچار این مشکلات نشوند و بتوانند با درس گرفتن از اشتباهات گذشته، مسیر را برای تحولات رو به جلو فراهم کنند. در این قسمت، قصد داریم به آسیب‌هایی که شهید بهشتی درباره نهضت ملی شدن صنعت نفت، اشاره کرده‌اند بپردازیم:

۲.۱. ملی‌گرایی صرف و غفلت از مسائل مکتبی

از آن جایی که ملت ایران، ملتی دینی با انگیزه‌های مکتبی هستند و اسلام و مسلمانی در رگ‌های این ملت جریان دارد، علتی که آن‌ها را به سمت مبارزه کشاند، عامل دین بود. این دین بود که با تزریق روحیه شهادت‌طلبی و طاغوت‌ستیزی، انگیزه کافی را به جوانان و ملت می‌داد که برای رسیدن به آرمان‌ها، خود به میدان مبارزه بیایند و برای رسیدن به اهداف خود از خود گذشته‌گی نشان بدهند. اما وقتی دیدند که حکومت دکتر مصدق یک حکومت ملی است و مبارزه فقط بر سر نفت است و خبری از آرمان‌های بزرگ اسلامی نیست و محور، محور دینی نیست، آرام آرام انگیزه خود را از دست دادند. وقتی مردم که تنها حامیان دکتر مصدق بودند و به پشتوانه آن‌ها توانسته بود در مقابل قدرت‌های داخلی و خارجی بایستد، دست حمایت خود را از او و دولت‌ش بردارند؛ قطعاً چنین

دولتی قدرت خود را از دست می‌دهد و نسبت به خطرات و هجمه‌ها آسیب‌پذیر می‌شود. همین می‌شود که بعد از مدتی دیگر خبری از حضور مردم در خیابان‌ها به شکل سابق نیست. بنابراین به‌طور خلاصه می‌توان گفت کوچک کردن آرمان‌ها در حد مسئله نفت و بریدن ریشه‌های ایمانی، نتیجه‌اش تبدیل سریع انگیزه به رخوت شد و همین امر، جنبش ملی کردن صنعت نفت را ناکام گذاشت. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۸۰) همین تجربه باعث شده بود که دکتر بهشتی همواره در مورد انقلاب اسلامی نیز باور داشته باشند که اگر این جنبش بدل به یک نهضت ملی و محلی شود با خطرات بسیاری روبه‌رو خواهد بود و این موضوع، یک آسیب بزرگ است که باید مقابل چنین اندیشه‌هایی گرفته شود و در انقلاب اسلامی حتماً به وجه جهانی و آرمان‌های بزرگ اسلامی توجه و تاکید شود. (حسینی بهشتی، ۱۳۸۵: ۷۴)

۲.۲. فقدان تشکیلات مناسب

آسیب دیگری که در جنبش ملی شدن صنعت نفت وجود داشت و مانع از آن شد که این جنبش، به تمام آرمان و اهداف خود

برسد و از دستاوردهای خود صیانت کند، فقدان یک تشکیلات منسجم و مناسب بود. به باور شهید بهشتی، وجود تشکیلات، از مسائل بسیار مهمی است که در بسیاری از جنبش‌ها و حرکات از آن غفلت شده است ایشان در خصوص اهمیت تشکیلات می‌گویند:

«من و چند تن از دوستانم که از سال‌های پیش، فعالیت‌های اجتماعی سیاسی بر مبنای اسلام را به‌عنوان یک فریضه بزرگ تلقی کرده‌ایم، مکرر وقتی دور هم می‌نشینیم و اوضاع و احوال را ارزیابی می‌کنیم، به این نتیجه رسیدیم که نیروهای مخلص مسلمان در جامعه ما یک باطری بسیار پر ارزش از نیروهای نهفته است؛ انبار و خزینه و گنجینه نیروها است؛ ولی این نیروها یکدیگر را درست نمی‌شناسند و از وجود یکدیگر به اندازه کافی خبر ندارند؛ به‌طوری که اجمالاً ما می‌دانیم جامعه‌ای است پرنیرو، اما وقتی دست به هر کاری می‌زنیم در همان قدم اول و دوم می‌بینیم نیرو کم داریم، تشنه لب برمی‌گردیم؛ و بعد وقتی هم شناسایی می‌کنیم باز قدرت سازمان دادن و سامان دادن و تجربه تشکیلاتی‌مان کم است. گاهی می‌بینیم که نیروها در هم می‌لولند و کار



کتاب‌نامه

حسینی بهشتی، سیدمحمد، (۱۳۹۶)، سخنرانی‌ها و مصاحبه‌های آیت‌الله شهید دکتر سید محمد حسینی بهشتی، تدوین محمدرضا سرابندی، چاپ دوم، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی

حسینی بهشتی، سیدمحمد، (۱۳۸۵)، نقش آزادی در تربیت کودک، چاپ سوم، تهران: نشر بقیه

آبراهامیان، پرواند، (۱۳۹۳)، کودتا، ترجمه ابراهیم فتحی، چاپ چهارم، تهران، نشر نی

استخراج کنند تا در مسیر رشد و حرکت‌های بعدی از آن درس بگیریم و اشتباهات قبل را تکرار نکنیم. دو ایراد بزرگی که به نهضت ملی شدن صنعت نفت از منظر شهید بهشتی وارد است عبارتند از ۱- تبدیل شدن این نهضت به یک نهضت صرفاً ملی، در حالی که جامعه ایران یک جامعه مکتبی با آرمان‌های جهانی است و ۲- عدم توجه به کار تشکیلاتی. نکاتی که ایشان تلاش کردند در جریان انقلاب اسلامی از آن‌ها غافل نشوند و مشی عملی ایشان در تشکیل حزب جمهوری اسلامی و هشدارهای مکرر ایشان مبنی بر این که مبدا انقلاب اسلامی بدل به یک انقلاب محلی و ملی شود را می‌توان در همین چهارچوب، مشاهده کرد.

زیادی هم انجام نمی‌گیرد؛ بنابراین، خیلی روشن به این نتیجه می‌رسیدیم که ما دچار ضعف تشکیلاتی هستیم و همواره از این یاد می‌کردیم که ایجاد تشکیلات اجتماعی بر پایه اسلام، از واجبات اساسی هر انسان متعهد، آگاه و مسلمان است.» (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، ج ۳: ۴۲۷)

از نظر شهید بهشتی، حتی دکتر مصدق که سال‌ها سابقه فعالیت سیاسی داشت نیز نتوانست یک گروه از افراد همسو با خود را به شکل منظم و با برنامه، کنار خود جمع کند تا در راه پر پیچ و خم این نهضت، دستگیر و کمک‌کننده او باشند. خود این مسئله باعث شد که شهید بهشتی و دیگر مبارزان از این مسئله درس بگیرند و اقدام به تشکیل تشکیلات کنند تا در امر مبارزه، منسجم و تشکیلاتی عمل نمایند. (حسینی بهشتی، ۱۳۹۶، ج ۱: ۵۳۴)

جمع‌بندی

برخلاف برخی که با نگاهی تقلیل‌گرایانه، نهضت ملی شدن صنعت نفت را یا تماماً به آیت‌الله کاشانی نسبت می‌دهند و نقش دکتر مصدق را نادیده می‌گیرند یا گروهی دیگر که دکتر مصدق را همه کاره در نظر گرفته و آیت‌الله کاشانی را تاثیرگذار نمی‌دانند، آیت‌الله بهشتی معتقد بودند که این جنبش بر دو محور، سوار بوده و تاثیر هیچ کدام از این دو شخص را نمی‌توان نادیده گرفت و دکتر مصدق به‌عنوان یکی از رهبران این خروش مردمی، جایگاه غیر قابل کتمان داشته است.

همچنین از نگاه شهید بهشتی، نهضتی که برای ملی کردن صنعت نفت و خارج کردن ذخایر ملی از ید استعمارگران در کشورمان به راه افتاد، یکی از مراحل اساسی برای رشد جامعه ایران بود. دکتر بهشتی، نسبت به این جنبش به‌عنوان یکی از نقاط عطف تاریخ معاصر ایران، توجه داشته و تلاش کرده‌اند از دل آن نکاتی برای آینده

